

ارسال: ۱۴۰۲/۶/۲۶

پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۳۰

10.22034/nf.2026.416274.1277

## نسخه گلستان، موزه ۷۱۳ ق، کتابخانه غازی خسرو بیک سارایوو

منیر درکیچ (استاد گروه شرق شناسی، دانشکده فلسفه، دانشگاه سارایوو، سارایوو، بوسنی)

غلامرضا سالمیان\* (استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران)

**چکیده:** کهن‌ترین نسخه شناخته شده از گلستان - که نسخه ای ناقص و مغلوپ است - در سال ۶۶۸ ق کتابت شده. در اصالت دومین نسخه، که تاریخ‌های گوناگونی میان ۶۹۱ تا ۷۲۶ ق برای آن در نظر گرفته‌اند، تردید وجود دارد. نسخه‌ای که در این نوشتار به آن می‌پردازیم، هرچند در جایگاه سومین نسخه تاریخ‌دار این کتاب قرار می‌گیرد، به سبب آنچه درباره صحت و اصالت دو نسخه پیشین گفتیم، در عمل می‌توان آن را در صدر نسخه‌های گلستان قرار داد. این نسخه را کاتبی به نام حسن موسی حاجی سوسیان السیواسی در روز یکشنبه ۲۲ محرم سال ۷۱۳ ق نوشته است. این نسخه اینک به شماره 1389,1 در کتابخانه غازی خسرو بیک، در شهر سارایوو، پایتخت بوسنی و هرزگوین، نگهداری می‌شود. در نوشتار حاضر، ضمن اشاره به جایگاه ادب فارسی و آثار سعدی در بالکان، به معرفی جزئیات ظاهری و محتوایی این نسخه پرداخته‌ایم. مهم‌ترین یافته نوشتار حاضر گزارش پیدا شدن نسخه‌ای کهن از گلستان سعدی است که سومین متن تاریخ‌دار آن کتاب و، بنا به دلایلی که ذکر شد، در جایگاه نخست در میان نسخ تاریخ‌دار است. افزون بر آن، از راه نسخه معرفی شده، درمی‌یابیم که نسخه کهن‌تری از گلستان، که از آن امیرحسام‌الدین بگلر بوده، وجود داشته است که اینک در دسترس نیست. وجود و کتابت دست‌کم دو نسخه گلستان تا سال ۷۱۳ ق در آناتولی و انتقال این نسخه کهن به بوسنی گواه اهمیت و جایگاه زبان و ادب فارسی، به ویژه سعدی و آثارش، در حوزه

---

\* salemian@razi.ac.ir

آناتولی و بالکان است.

کلیدواژه‌ها: سعدی، گلستان، نسخه خطی ۷۱۳ق، بوسنی و هرزگوین، کتابخانه غازی خسروبیگ

### مقدمه

هدف از تصحیح متن به دست دادن نزدیک‌ترین صورت از آن به چیزی است که نویسنده یا شاعر آفریده است. در پردازش چنین متنی، عناصری دخیل هستند. «سه عنصر اصلی در فرایند تصحیح متن عبارتند از ۱. مواد و منابع، ۲. شایستگی و اهلیت مصحح، ۳. شیوه و روش استدلالی کار» (جهانبخش، بی‌تا، ص ۱۴). همان‌گونه که می‌بینیم، مواد و منابع در صدر عنصرهای اصلی فرایند تصحیح قرار گرفته است. مهم‌ترین بخش مواد و منابع نیز نسخه یا نسخه‌های خطی مورد استفاده در فرایند تصحیح است. اصولاً بدون وجود نسخه امکان تصحیح وجود ندارد و بدون نسخه معتبر اعتبار متن مصحح زیر سؤال خواهد رفت. اعتبار نسخه خطی با سه عنصر ۱. قدمت، ۲. صحت و اصالت و ۳. استقلال (وابسته نبودن دو یا چند نسخه به مادر نسخه‌ای واحد) مشخص می‌شود (نک همان، ص ۱۷). اگرچه ممکن است نسخه‌ای متأخر، به سبب رونویسی از متنی قدیمی و صحیح، اصالت و صحتش بر متنی کهن‌تر، که به هر دلیل مغلوط و نامعتبر است، بچربد، در بیشتر موارد، کهن‌ترین نسخه (اقدام نسخ)، درست‌ترین (اصح نسخ) نیز هست؛ از همین رو، دستیابی به نسخه‌های کهن هر اثری در تصحیح بهینه آن بسیار اهمیت دارد.

آثار برجسته ادبیات فارسی، از آن روی که در درازنای تاریخ همواره مورد توجه طبقات گوناگون مردم، از عامی تا فرهیخته، بوده‌اند، نسخه‌های خطی متعددی هم دارند. همین اقبال، در عین حال که نکته مثبتی است، ممکن است از نظر امکان دخل و تصرف در متن آسیبی برای درستی این آثار به شمار آید. فروغی درباره این اشکال در گلستان سعدی گفته است: «گلستان، که اینک منظور نظر ماست، چنین می‌نماید که از اوایل امر و شاید از روزگار خود شیخ سعدی در استنساخ دچار تحریف و تصرف شده و دیرگاهی است که ادبا به این معنی برخورده‌اند. جز اینکه تا این اواخر ذهن‌ها همواره متوجه بود به اینکه در استنساخ سهو و غلط رفته است، ولیکن تأمل در نسخه‌های فراوان قدیم و جدید معلوم می‌دارد که بسیاری از تحریف‌ها عمدی بوده و هر کس گلستان را نوشته یا نویسنده است آن را موافق ذوق و سلیقه خویش ساخته است؛ چنان‌که شاید دو نسخه خطی از این کتاب یافت نشود که تماماً با یکدیگر مطابق باشند» (فروغی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۱۵). پس کشف هر دست‌نویسی از گلستان، به‌ویژه اگر در سده‌های هفتم و هشتم هجری قمری نوشته شده باشد، چونان قطعه‌ای ارزشمند در شکل‌گیری متنی پیراسته از آن کتاب مؤثر خواهد افتاد. نوشتار حاضر به معرفی یکی از این دست‌نویس‌های کهن گلستان می‌پردازد که در سال ۷۱۳ق

کتابت شده و اینک به شماره 1389,1 در کتابخانه غازی خسرو بیگ ساریوو، در کشور بوسنی و هرزگوین، نگهداری می‌شود. ذکر این نکته بایسته است که، به منظور استفاده بهتر پژوهشگران گرامی، مطالب نقل شده از نسخه مذکور، بدون تغییر رسم الخط، با همان شیوه نگارش کاتب، نقل می‌شود.

### پیشینه پژوهش

تاکنون در هیچ پژوهشی — جز فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه غازی خسرو بیگ — به نسخه شماره 1389,1 آن کتابخانه اشاره نشده است. تدوین‌کننده آن فهرست اطلاعات انجامه نسخه را درست ثبت کرده، اما چون متخصص گلستان سعدی نبوده، بر اهمیت نسخه تأکید نکرده است (Nametak, 1998, p. 381-382). حتی در کتاب معرفی کتابخانه غازی خسرو بیگ، که اخیراً منتشر شده، نشانی از این نسخه نیست (نک یاچیچ، ۲۰۲۳ م). بنابراین، پژوهشی با موضوع مقاله حاضر انجام نشده است. درباره بررسی دیگر نسخه‌های خطی آثار سعدی، به ویژه گلستان، تقریباً در مقدمه همه آثار تصحیحی توضیحاتی آمده است. در باب برخی مسائل ویژه تصحیح گلستان نیز پژوهش‌هایی انجام شده است؛ از جمله:

یاحقی (۱۳۶۸)، در نوشتاری، ضمن اشاره به پیشینه ترجمه و انتشار گلستان، به تصحیحی پرداخته است که غلامحسین یوسفی از این متن به دست داده. انزابی نژاد (۱۳۶۸) نکاتی در نقد متن گلستان مصحح غلامحسین یوسفی بیان کرده و خود آن نکات را دارای جنبه استحسانانی دانسته است. مهدوی دامغانی (۱۳۶۹) به پاره‌ای از اشکالاتی که انزابی نژاد (۱۳۶۸) بر تصحیح یوسفی وارد کرده پاسخ داده است. دهباشی (۱۳۶۹)، پس از ذکر مقدمه‌ای درباره ضرورت تصحیح انتقادی گلستان سعدی، به معرفی گلستان مصحح غلامحسین یوسفی پرداخته است. طیب‌زاده (۱۳۹۷) پانزده بیت عربی گلستان را از تصحیح‌های گوناگون انتخاب کرده و، با سنجه اصول عروض و قافیه عربی، تصحیح آن‌ها را به چالش کشیده است. دالوند (۱۴۰۱) کوشیده است، با استفاده از شروح کهن سعدی، نظیر شرح سراج‌الدین علیخان آرزو و شرح غیاث‌الدین رامپوری، و همچنین ضبط‌های لغت‌نامه دهخدا، ضبط‌ها و قرائت‌های دیگری از ابیات و عبارات گلستان سعدی (بر پایه چاپ فروغی و چاپ یوسفی) به دست دهد.

### ضرورت پژوهش

همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، یافتن نسخه کهن هر اثر ادبی به مثابه کشف حلقه‌ای جدید از زنجیره منتهی به عرضه متنی پیراسته برابر نظر نویسنده یا شاعر آن متن تواند بود. با توجه به

اختلافات فراوانی که در ضبط نسخه‌های گوناگون گلستان سعدی وجود دارد، پیدا شدن نسخه‌ای که در فاصله کمی از درگذشت سعدی – آن هم از روی متنی کهن‌تر از خود – کتابت شده باشد چه بسا در گزینش ضبط درست بسیاری از مواضع اختلاف سودمند باشد و در صورت لزوم در تصحیح‌های بعدی گلستان، در جایگاه نسخه اساس یا دست‌کم یکی از نسخه‌بدل‌های مهم، به کار آید.

### کتابخانه غازی خسروبیگ

غازی خسروبیگ (۱۵۴۱-۱۴۸۰ م)، حاکم مقتدر بوسنی در دوره تسلط امپراتوری عثمانی بر این سرزمین، منشأ خدمات بسیاری در بوسنی، به‌ویژه شهر ساریوو بوده است. مدرسه، مسجد و کتابخانه غازی خسروبیگ در ساریوو نماد گوشه‌ای از خدمات یادشده است.

غازی خسروبیگ در سال ۱۵۳۷ م مدرسه‌ای در ساریوو تأسیس و هم‌زمان کتابخانه آنجا را نیز راه‌اندازی کرد و با وقف‌نامه‌ای، که برابر مفاد آن خواسته بود درآمد مدرسه صرف خرید کتاب برای کتابخانه شود، در عمل تأمین منابع آینده آن را تضمین کرد. این کتابخانه در قرن هفدهم میلادی کتابدار خاص خود را داشت و این نشانه‌ای از اهمیت آن در ساریوو بود. در طول این پنج سده، کتابخانه غازی خسروبیگ چند بار در معرض خطر نابودی ناشی از جنگ‌های گوناگون قرار گرفته است. به عنوان نمونه، در سال ۱۶۹۷ م، در نتیجه جنگی طولانی بین لشکرهای امپراتوری‌های هابسبورگ و عثمانی، اوژن ساووا<sup>۱</sup> شهر ساریوو را به آتش کشید و در این آتش‌سوزی بیشتر نسخه‌های خطی این کتابخانه هم از بین رفت؛ پس بیشتر منابع حاضر پس از این رویداد گردآوری شده است. در حال حاضر، بیش از صد هزار نسخه خطی، کتاب چاپی، نشریه و سند، به زبان‌های گوناگون، در این کتابخانه نگهداری می‌شود. حدود یازده هزار عدد از منابع کتابخانه نسخه‌هایی به خط عربی هستند (نک یاچیچ، ۲۰۲۳، ص ۵-۷). این گنجینه مهم‌ترین اندوخته نسخه‌های خطی اسلامی در بالکان است.

### جایگاه ادبیات فارسی و کتاب گلستان در بالکان

رواج زبان و ادبیات فارسی در بوسنی و منطقه بالکان در دوره عثمانی در سه سیمای مختلف، اما در عین حال به هم مرتبط، نمود می‌یابد: ۱. جایگاه والای چندین متن از امهات متون سنتی ادب فارسی، ۲. آموزش آن در مدارس خانقاه‌ها و محافل دیگر، و ۳. آثار شاعران و نویسندگان

1. Eugen von Savoyen

پارسی گوی منطقه. دو وجه اخیر به نوعی به همان وجه نخستین، یعنی جایگاه والای چند متن مهم فارسی، بازمی‌گردد، چراکه این متون به‌عنوان منابع آموزش زبان فارسی کاربرد داشتند (گلستان و پندنامه در وهله نخست) و از طرف دیگر، شاعران و نویسندگان پارسی گوی آثار خود را تحت تأثیر شدید این متون می‌نوشتند. بعضی از متون فارسی، به‌ویژه مثنوی معنوی، در محافل صوفیانه یا برای عموم مردم خوانده و تفسیر می‌شدند.

همان‌گونه که پیش‌تر گفتیم، این نوشتار به معرفی نسخه‌ای کهن از گلستان سعدی می‌پردازد که در بوسنی یافت شده است. یافته شدن این نسخه کهن از گلستان سعدی در کشور بوسنی جای شگفتی ندارد، اگر بدانیم این کتاب، تا پیش از دوران جدید، چونان درس‌نامه‌ای در مدارس عثمانی و تکیه‌های بالکان به شکل عمومی و در بوسنی به‌گونه‌ای ویژه تدریس می‌شده است. این کتاب و سه شاهکار دیگر ادب فارسی، یعنی مثنوی معنوی، پندنامه منسوب به عطار و دیوان حافظ، اندک‌اندک جای خویش را در میان مردمان این سامان باز کردند و بعدها به کتاب‌هایی بدل شدند که، به واسطه قرارگرفتن در شمار منابع درسی، صدها نسخه از آن‌ها رونویسی شد، به‌گونه‌ای که هنوز هم می‌توان این نسخه‌ها را در کتابخانه‌ها و مجموعه‌های عمومی و شخصی باز یافت. البته بعدها آثاری چون بوستان، منطق‌الطیر، کلیله و دمنه، خمسه نظامی و بهارستان نیز در این منطقه با اقبال روبه‌رو شدند.

گلستان سعدی، از آغاز تا پایان دوره عثمانی، از رواج بسزایی برخوردار بود، چنانکه در سده نهم ق / پانزدهم م، یعنی قبل از تأسیس نخستین مدرسه‌ها در بوسنی، نسخه‌هایی خطی از گلستان موجود بود. تنها در اندوخته خطی مؤسسه شرق‌شناسی، که در سال ۱۹۹۲ م مهاجمان صرب آن را به آتش کشیدند، پنج نسخه خطی گلستان از قرن نهم / پانزدهم وجود داشت (نک. Trako, 1986, p. 184-187). در طول سده دهم / شانزدهم، گلستان سعدی به طور کلی در امپراتوری عثمانی رواج پیدا کرد. از میان شروح متعدّد، می‌توان به دو شرح به زبان عربی (ابن‌سید کمال و لامعی چلبی) و سه شرح به زبان ترکی عثمانی (سروری، شمعی و سودی) اشاره کرد. نسخه‌های خطی این شروح در طول این قرون در بوسنی استنساخ یا از نواحی دیگر امپراتوری جمع‌آوری می‌شد. شرح سودی بر دیگر شروح برتری دارد و دارای نسخه‌های بیشتری است. یکی از نشانه‌های رواج گلستان، پس از تألیف شرح سودی، این است که شاگرد او، به نام درویش پاشا، این شرح را به کتابخانه مدرسه خود در شهر موستار وقف کرده است (وقف‌نامه تأسیس مدرسه درویش پاشا ذیل شماره ۷-۱۸۲ در کتابخانه‌غازی خسروبیگ ساریوو نگهداری می‌شود). بلافاصله پس از این رویداد، نسخه‌های گلستان را در مدارس

مختلف بوسنی می‌یابیم (موستار<sup>۲</sup>، سارایوو<sup>۳</sup>، بانیالوکا<sup>۴</sup>، زنیسا<sup>۵</sup>، اهلونه<sup>۶</sup>، فوچا<sup>۷</sup>، اوژیته<sup>۸</sup> و...). پس از آن، در قرن دوازدهم / هجدهم تعداد نسخه‌های خطی افزایش می‌یابد و مدارس عثمانی همچنان مهم‌ترین جایگاهی بوده که گلستان در آن رواج داشته است.

در اواخر دوره عثمانی (سده سیزدهم / نوزدهم) نهادهای آموزشی جدیدی برپا شد و در همه آن‌ها، از رشدیّه گرفته تا دارالمعلمین و مکتب اعدادی (مدرسه عالیّه نظامی)، گلستان سعدی در سرفصل‌های درسی، به‌عنوان درس‌نامه زبان فارسی یا اخلاق اسلامی، ذکر شده است. حتی بعد از تغییر حکومت و روی کار آمدن امپراتوی اتریش-مجارستان بعضی از این نهادها به فعالیت خود ادامه دادند؛ هرچند در آن زمان از این رویّه آموزشی انتقاد می‌کردند، به این دلیل که گلستان را برای آموزش دادن به کودکان مناسب نمی‌دانستند (نک Drkić, 2021).

به طور خلاصه، می‌توان گفت که رواج زبان و ادبیات فارسی در سرزمین بوسنی با گلستان سعدی آغاز و تمام شد. بررسی جایگاه گلستان در بالکان نیازمند بحثی مستقل است. اجمالاً، برای درک سترگی این جایگاه، کافی است بدانیم تنها در کتابخانه غازی خسروبیگ هشتاد و نه نسخه خطی این کتاب (شامل متن فارسی، ترجمه ترکی عثمانی، شرح فارسی، شرح ترکی عثمانی، شرح عربی یا گزیده‌های گوناگون) نگهداری می‌شود که در اینجا به معرفی مختصر سه نسخه بسنده می‌کنیم:

۱. نسخه شرح سودی بر گلستان، به شماره R3800، که در سال ۱۰۰۶ ق، یعنی در زمان حیات سودی، رونویسی شده و درویش پاشا به مدرسه موستار هدیه کرده است.

۲. نسخه گلستان، به شماره R6135، که در سال ۱۰۳۱ ق شخصی به نام درویش آن را در

2. Mostar

3. Sarajevo

4. Banja Luka

5. Zenica

6. Livno

7. Foča

8. Užice

بیت الفهوه‌ای در موستار برای دوست خود، ابراهیم‌آغا، رونویسی کرده است. وجود این نسخه رواج گلستان را در میان عامه مردم اثبات می‌کند.

۳. نسخه گلستان، به شماره R38880، تحریر ۱۱۵۸ ق، با خط بسیار زیبا، شامل متن اصلی با حاشیه‌هایی از توضیحات شرح سودی، به انتخاب کاتب (برای آگاهی بیشتر از وضعیت زبان فارسی در بالکان، به‌ویژه بوسنی، نک بوگدانویچ، ۱۳۴۳ الف، ص ۶۰-۶۷؛ بوگدانویچ، ۱۳۴۳ ب، ص ۲۶-۳۳؛ مرادی، ۱۳۷۱، ص ۵۶-۵۹؛ صفارمقدم، ۱۳۷۳؛ چانچار، ۱۳۷۶، ص ۸۸-۹۲؛ لاتیج، ۱۳۷۷، ص ۲۸-۳۱؛ شادآرام، ۱۳۹۵، ص ۶۹-۹۰ و درکیچ ورنیسی، ۱۳۹۹، ص ۱۵۱-۱۷۰).

### کهن‌ترین نسخه‌های گلستان

۱. ۶۶۸: نسخه کتیبات کتابخانه سلطنتی، با خطی منسوب به یاقوت مستعصمی، کتابت در رمضان ۶۶۸ ق. به دلیل افتادگی، نقائص و اغلاط فراوان، یوسفی آن را اساس تصحیح خود قرار نداده و از آن به‌عنوان نسخه‌بدل استفاده کرده است. فرانکلین لویس بر آن است چون انجامه نسخه قابل خواندن نیست، این اطلاع را باید با تردید پذیرفت (Lewis, 2021, p 79-86).

۲. ۶۹۱ تا ۷۲۶: نسخه کتیبات کتابخانه فرهنگستان علوم تاجیکستان، دارای چند تاریخ در بخش‌های گوناگون (پایان بدایع: ۶۳۰ ق، پایان گلستان: ۶۵۳ ق و پایان قطعات و رباعیات: ۶۶۹ ق). اصالت نسخه مورد تردید است. یوسفی از آن به‌عنوان نسخه‌بدل استفاده کرده و رستم علی‌یف تاریخ تحریر آن را بین ۶۹۱ تا ۷۲۶ حدس زده است (نک یوسفی، ۱۳۷۴، ص ۲۲). این نسخه در سال ۱۳۹۴ به‌صورت عکسی منتشر شده است (سعدی، ۱۳۹۴).

۳. ۷۱۳: نسخه شماره 1389,1 کتابخانه غازی خسروبیگ که این مقاله درباره آن نوشته می‌شود.

۴. ۷۲۰: نسخه کتابخانه بنیاد بودمر در ژنو، به خط عبدالصمد بیضاوی، کتابت در صفر ۷۲۰ ق. یغمایی این دست‌نویس را بدون تغییر در رسم الخط چاپ کرده و یوسفی آن را نسخه اساس تصحیح خویش قرار داده است (نک یغمایی، ۱۳۱۶، ص الف-ج).

۵. ۷۲۸: نسخه کتابخانه دیوان هند در لندن، کتابت در ۷۲۸ ق (نک یغمایی، ۱۳۱۶، مقدمه یغمایی، ص الف).

۶. ۷۳۰: کتابخانه پاریس، به شماره suppl. Pars. 869، کتابت در شعبان ۷۳۰ ق به دست احمد (نک مطلبی کاشانی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۷).

۷. ۷۶۸: نسخه کتابخانه ملی پاریس، کتابت در ۷۶۸ ق (نک فروغی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۱۶).

۸. سده ۷: یکی از دو نسخه چینی که برات زنجانی، با بهره‌گیری از آنها، گلستان را، با اساس قرار

دادن چاپ فروغی، تصحیح کرده است. بر روی نسخه نوشته شده: «گلستان تألیف سعدی شیرازی در سنه ۱۲۵۸ میلادیه» (زنجانی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۶). سال ۱۲۵۸ م برابر است با سال ۶۵۶ ق، یعنی همان سال تألیف گلستان؛ بنابراین، تاریخ مذکور تاریخ کتابت نسخه نیست و برات زنجانی، از روی کاغذ و مرگب، آن دو نسخه را مربوط به سده هفتم تخمین زده است (همانجا).

۹. سده ۸: دومین نسخه چین (نک مورد پیشین).

۱۰. سده ۸: نسخه متعلق به مجدالدین نصیری، سده هشتم. این دست‌نویس یکی از نسخه‌بدل‌های فروغی بوده است (نک فروغی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۲۰).

۱۱. بی‌تا: نسخه متعلق به ابوالحسن بزرگ‌زاد در اصفهان که فاقد تاریخ است، اما فروغی اصالت آن را تأیید کرده و آن را نسخه اساس تصحیح خود قرار داده است (نک همان، ص ۱۲۱۶-۱۲۱۹). از آنچه گفتیم، می‌توانیم چنین نتیجه بگیریم که کهن‌ترین نسخه شناخته‌شده از این کتاب — که ناقص و مغلوپ است — در سال ۶۶۸ ق کتابت شده است. در اصالت دومین نسخه، که تاریخ‌های گوناگونی میان ۶۹۱ تا ۷۲۶ ق برای آن در نظر گرفته‌اند، تردید وجود دارد. نسخه‌ای را که در این نوشتار به آن خواهیم پرداخت، هرچند در جایگاه سومین نسخه تاریخ‌دار این کتاب قرار می‌گیرد، به سبب آنچه درباره صحت و اصالت دو نسخه پیشین گفتیم، در عمل می‌توان در صدر نسخه‌های گلستان قرار داد و در سیر تاریخی کتابت این شاهکار ادبیات فارسی حائز اهمیت ویژه‌ای است. بر پایه مقایسه‌ای که نگارندگان این مقاله میان ضبط‌های ویژه این نسخه و نسخه‌های معرفی‌شده بالا انجام داده‌اند، مشابهت این نسخه با نسخه کتابخانه بنیاد بودمر در ژنو (کتابت در صفر ۷۲۰ ق) بیش از سایر نسخ است؛ از این رو، نسخه ۷۲۰ ق را می‌توان، از منظر تبارشناسی، از تبار نسخه کتابخانه غازی خسروبیگ دانست.

#### بحث و بررسی: نسخه شماره 1389,1 گلستان سعدی

در ادامه، ویژگی‌های گوناگون نسخه شماره 1389,1 گلستان سعدی، مورخ سال ۷۱۳ ق، کتابخانه غازی خسروبیگ ذکر می‌شود.

#### تاریخ کتابت

در ترقیمه این نسخه به‌صراحت تاریخ کتابت آن روز یکشنبه بیست و دوم محرم سال هفتصد و سیزده ثبت شده است: «فرغ من تحریر هذا الكتاب [چنین] فی يوم الاحد من شهر الله الحرام المحرم مفتح الشهر ثانی عشرین منه سنة ثلاث عشر و سبعمئة» (سعدی، ۷۱۳، برگ ۹۰، پ). همان‌گونه که بعداً خواهیم

دید، ویژگی‌های رسم الخطی نسخه نیز درستی تاریخ ترقیمه را با تردید روبه‌رو نمی‌کند.

### کاتب

نام کاتب، همان‌گونه که در ترقیمه آمده، «الحسن موسی حاجی سوسیان السیواسی» است. در جست‌وجویی که برای یافتن کاتبان سیواسی انجام شد، به نام بیش از ۱۴۰ کاتب و نویسنده برخوردیم که هرچند زمان زندگی برخی از آنان به زمان زندگی کاتب گلستان نزدیک است، تفاوت آشکار نام آنان مانع از آن می‌شود که بخواهیم احتمالی در مورد یکسانی آنان طرح کنیم (نک Presidency of Turkish Manuscript Association؛ درایتی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۲۷؛ ج ۴، ص ۵۲؛ ج ۶، ص ۹۸۹؛ وفایی و فیروزبخش، ۱۳۹۳، ص ۲۵).

### نسخه مأخوذ عنه

خوشبختانه در ترقیمه این نسخه به نام نسخه کهن‌تری از گلستان اشاره شده است که نسخه حاضر از روی آن رونویسی شده: «از نسخه امیر حسام‌الدین بگلر نوشته شد». هرچند، با توجه به اینکه فقط این سه واژه در توصیف صاحب نسخه اصلی آمده است و نظر به بسامد زیاد افرادی با اسم «حسام‌الدین» و نیز رواج بسیار زیاد دو لقب «امیر» و «بیگلر» (به دلیل نابسامانی وضعیت سیاسی در آن نقطه از جهان در آن دوره، که منجر به شکل‌گیری بیگ‌نشین‌های بسیار و برآمدن و فروافتادن امیرهای متعدد شده بود)، شناخت این فرد کار بسیار دشواری است. به نظر ما این فرد یا یکی از امیران سلجوقی بوده است یا یکی از امیران ملوک‌الطوائف آناتولی. با توجه به آنچه خواهد آمد، امکان اینکه شخص مورد نظر «امیر محمود حسام‌الدین چوپان»، آخرین امیر چوپانیان روم (ح ۶۹۱-۷۰۹ق) باشد بیش از سایر احتمالات است، زیرا از یک سو تاریخ امارت او با تاریخ مد نظر ما همخوانی دارد و از دیگر سو، ملوک‌الطوائف چوپانیان روم، که در قرن هفتم هجری دولت خود را در شمال آسیای صغیر تأسیس و شهر قسطنطنیه (در شمال ترکیه امروزی) را پایتخت خود کردند، با دانشمندان بسیاری ارتباط برقرار می‌کردند و به فرهنگ و ادب توجه ویژه‌ای داشتند. این امر به‌ویژه در دوره حکومت پدر محمود حسام‌الدین، یعنی مظفرالدین یاولاق ارسلان، مشخص‌تر بود. دربار یاولاق پناهگاه تعدادی از دانشمندان خراسان و عراق عجم و عرب بود. یکی از این دانشمندان قطب‌الدین شیرازی (به قولی دایی سعدی) است که کتاب اختیارات مظفری خود را به مظفرالدین اهدا کرده بود. از دانشمندان دیگر می‌توان نام حسن بن عبدالمؤمن را آورد که کتاب فسطاط العداله فی قواعد السلطنه را به نام مظفرالدین و کتاب قواعد الرساله را به نام محمود حسام‌الدین نوشته است. بنابراین، دربار آنان ممکن است جایگاه مناسبی برای نگارش آثار یا کتابت و رونویسی آثار ادب فارسی، از جمله

گلستان، بوده باشد (نک 54 p, 1969, Uzunçarşılı; 354-355 p, 1993, Yücel; 71-73 p, 1965, Yücel).

### ساختار نسخه

آغاز. متأسفانه چند صفحه آغاز کتاب، که دربردارنده بخش اعظم دیباچه گلستان است، افتاده است و متن گلستان از اینجا آغاز می‌شود:

بر دامن کوه الوند پست نماید شعر

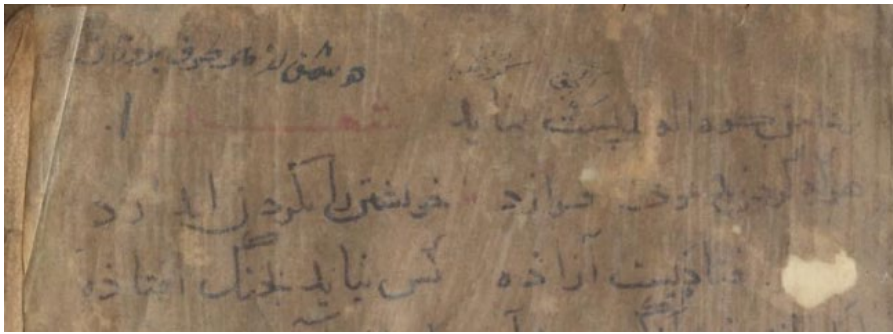
خویشتن را بکردن اندازد

هر که کردن بدعوی افرازد

کس نیاید بجنگ افتاده

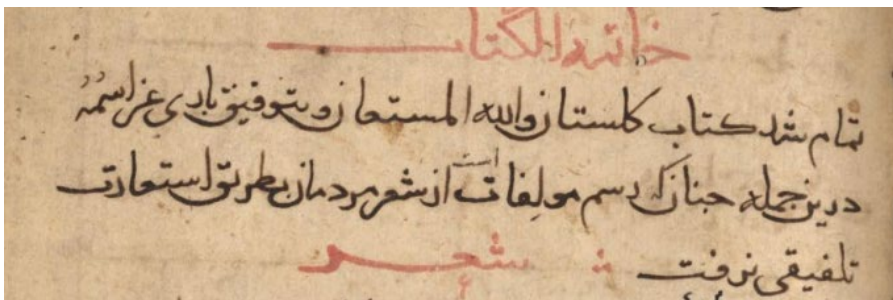
..... افتادیسست آزاده

(سعدی، ۷۱۳ق، برگ ۱ر)



تصویر ۱ آغاز نسخه

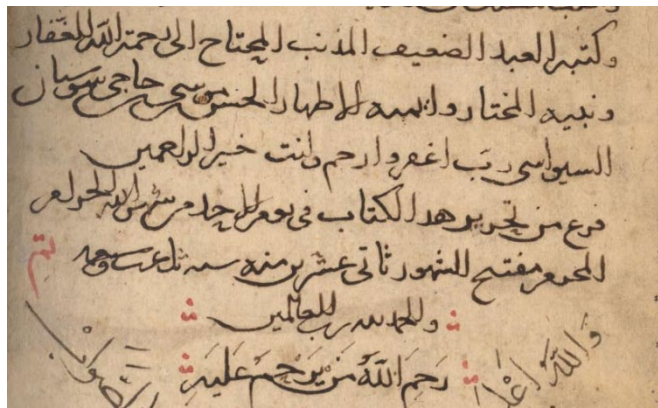
انجامه. در انجامه کتاب، ابتدا بخش خاتمه کتاب قرار دارد که نوشته خود سعدی است. در ادامه، ترقیمه کاتب آمده است.



تصویر ۲ خاتمه کتاب

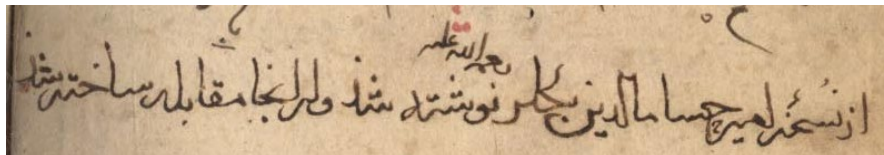
ترقیمه:

وكتبه العبد الضعيف المذنب المحتاج الى رحمة الله الغفار و نبيه المختار و ايمته الاطهار الحسن  
موسى حاجى سوسيان السيواسى رب اغفر وارحم و انت خير الراحمين  
فرغ من تحرير هذا الكتاب [كذا] فى يوم الاحد من شهر الله الحرام المحرم مفتاح الشهر الثانى عشرين  
منه سنة ثلاث عشر و سبعمئة تم  
والحمد لله رب العالمين  
رحم الله من يرحم عليه» (سعدى، ۷۱۳ق، برگ ۹۰ پ)



تصوير ۳ ترقیمه نسخه

از میانه برگ ۹۰ پ، یعنی پایان گلستان، با خط دیگری روبه رو هستیم. کاتب این بخش ابتدا  
مطلبی درباره مقابله این نسخه با نسخه دیگری نوشته است: «از نسخه امیرحسامالدین بک رحمة الله  
عليه نوشته شد و از انجا مقابله ساخته شد» (همان، برگ ۹۰ پ)



تصوير ۴ پس از ترقیمه

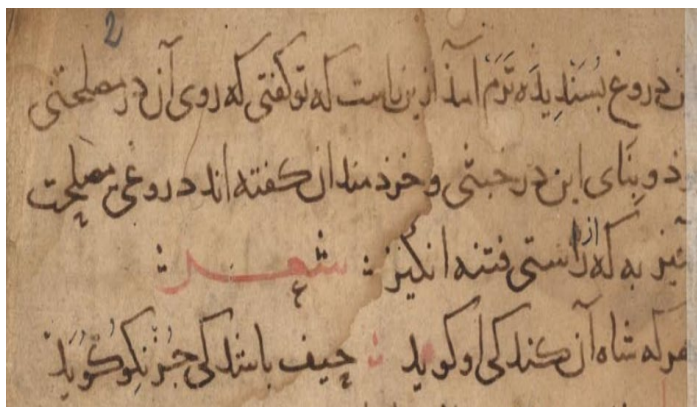
در ادامه، به همین خط اخیر دو رباعی ذکر شده است:

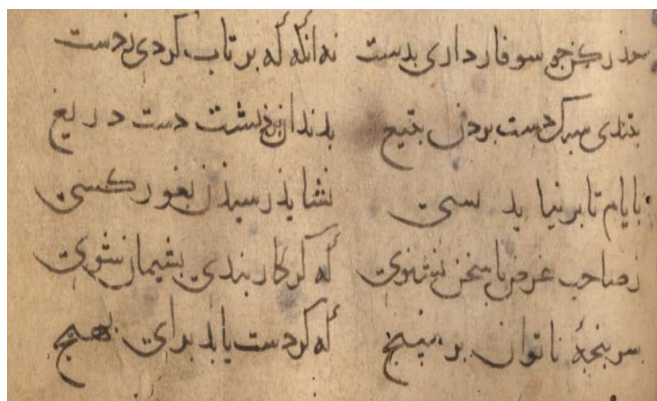
هرگز روزی غم تووم شاد نکرد  
طوطی شکر بار تو یعنی که لب  
وصل تو دل خرابم اباذ نکرد  
روزی به دو انگشت خطم یاذ نکرد

گفتم که دل از جنک غمت برهانم  
گفتم بروم ز عشق تو توبه کنم  
گفتا غلطی بکو اکر بتوانم  
گفتا نکنی خوی بدت می دانم  
(همان، برگ ۹۰ پ)

در برگ ۹۱ ر، هجده بیت از بوستان آمده و از ۹۱ پ تا پایان نسخه در بردارنده کلیات سعدی است. متأسفانه کلیات فاقد ترقیمه است و نمی دانیم کاتب آن چه کسی بوده و آن را در چه تاریخی نگاشته است، اما بر پایه خط و شیوه کتابت، می توان احتمال داد که در همان سده هشتم نوشته شده باشد. داوری ما درباره تفاوت کاتب گلستان و کاتب کلیات مبتنی بر تفاوت‌هایی نگارشی است که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می کنیم<sup>(۱)</sup>:

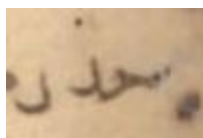
۱. در بخش دوم، کاتب، به هنگام نگارش «ی» در آخر واژه (اعم از صامت زیا مصوت بلند i) در بیشتر موارد دو نقطه در بالا و گاه در پایین آن قرار داده است، چنانکه در تصویر سمت چپ، از ۹ مورد «ی»، ۶ مورد آن به صورتی که گفتیم کتابت شده، در حالی که در بخش نخست (به عنوان نمونه، در تصویر سمت راست) بسامد «ی» پایانی بدون نقطه بسیار بیشتر از «ی» دارای نقطه است.



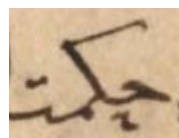


برگ ۹۱ ر

۲. در بخش نخست، کاتب در نگارش حرف «ح» نشانه‌ای شبیه دو نقطه به هم پیوسته در زیر آن نگاشته است (سمت راست). این نوع نگارش در این بخش در نوشتن بیشتر حرف‌های «ح» رعایت شده، در حالی که در بخش دوم (سمت چپ)، از چنین نشانه‌ای استفاده نشده است.



برگ ۹۱ ر



برگ ۸۹ پ

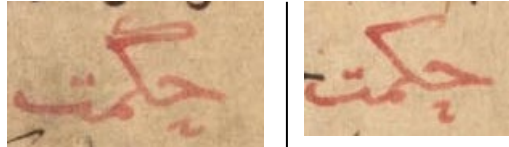
تعداد سطرها در هر صفحه ۱۷ و تعداد صفحات ۱۸۱ صفحه یا ۹۱ برگ (از ۱ تا ۹۱ ر) است و عنوان‌ها به سنگرف نوشته شده است.

#### ویژگی‌های رسم الخطی نسخه

##### نگارش چهار حرف ویژه فارسی

- نگارش «پ»: کاتب برای نگارش واج p از دو نویسه «پ» و «ب» استفاده کرده است. در نگارش این واج، بسامد استفاده از نویسه «ب» بسیار بیشتر از نویسه «پ» است.
- نگارش «چ»: کاتب از دو حرف «چ» و «ج» برای نمایش واج چ استفاده کرده است. بسامد کاربرد «ج» برای این منظور بیش از حرف «چ» است.
- نگارش «ژ»: کاتب همه‌جا واج z را با حرف «ژ» نوشته است.

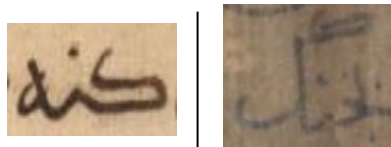
- نگارش «گ»: کاتب در نگارش «ک» و «گ» از دو نویسه تا حدودی متمایز بهره برده، اما به ظاهر، بیش از آنکه هدفش تمایز میان دو واج k/g باشد، هر دو نویسه را با ارزش تلفظی



یکسان به کار برده است؛ مثلاً به طرز نگارش واژه «حکمت» در دو موضع از کتاب دقت نماید:

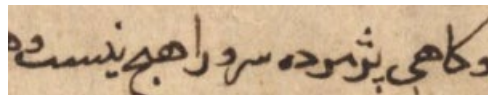
**تصویر ۴** نگارش «ک»

و نیز به شکل نوشتن «جنگ» و «گنه»:



**تصویر ۵** نگارش «گ»

در مجموع، میزان استفاده از «ک» بسیار بیشتر از شکل دو سرکش دار آن (گ) است. جمع شدن چهار حرف ویژه فارسی در این عبارت هم جالب توجه است:



**تصویر ۶** چهار نویسه ویژه فارسی

**جدول ۱** نگارش چهار حرف ویژه فارسی

G		Ž	Č		P	
ک	گ	ژ	ج	چ	ب	پ
کفتا (۵۷ پ)	گوشت (۳۶ پ)	مژده (۷ ر)	جشم (۲ ر)	مورچگان (۴۳ پ)	بسر (۲ پ)	پادشاهی (۱ پ)
کواه (۵۹ ر)	توانگران (۷۶ ر)	کژدم (۱۲ ر)	بنجه (۷ پ)	چه (۲ ر)	بوست (۴۳ پ)	پر (۳۶ پ)

**نگارش «آ»:** در بیشتر موارد به صورت «آ» نوشته شده است، اما در معدود مواردی هم به شکل «ا» نوشته شده: آمد، آب (سعدی، ۷۱۳ق، برگ ۴ پ) اداب (همان، برگ ۴ پ)، برافشفت (همان، برگ ۶۲ ر).

**نگارش «نا» نفی:** در بیشتر موارد به واژه پس از خود (اعم از اسم و فعل) پیوسته است، اما در مواردی نیز جدا نوشته نوشته شده: «نه بینی» (همان، برگ ۷ و ۸ پ)، «نه پذیرد» (همان، برگ ۸۰ ر).  
**نگارش «بی»:** در بیشتر مواضع جدا از واژه پس از خود آمده است: بی کران (همان، برگ ۱۴ پ)، بی وقت (همان، برگ ۱۸ ر): از جمله موارد سرهم نوشته: بیچاره (همان، برگ ۱ پ)  
**نگارش «که»:**

- در این نسخه به دو صورت «که» (همان، برگ ۲ ر) و «کی» (همان جا) آمده است.
- آنجا که واژه «که» به واژه دیگری چسبیده باشد، نظیر «چنانکه»، املائی واژه به سه صورت جدا، پیوسته و با حذف «ه» غیر ملفوظ آمده است: «همچنان که» (همان، برگ ۷۴ ر)، «آنکه» (همان، برگ ۶۱ ر)، «چندانک» (همان، برگ ۳ پ).

#### نگارش «ه» غیر ملفوظ در پایان واژه

- «ه» غیر ملفوظ در پایان واژه، اگر کسره اضافه گرفته باشد، یا به همان شکل «ه» نوشته شده است یا با یای میانجی کوچک: «جامه زنان» (سعدی، ۷۱۳ق، برگ ۵)، «سایه بوم» (همان جا).
  - آنجا که پس از «ه» غیر ملفوظ در پایان واژه «ای» آمده، با یای میانجی کوچک نوشته شده است: طویله = طویله ای (همان، برگ ۲ پ)، دیزه = دیده ای (همان، برگ ۴۰ ر).
- نگارش «چه»:** کاتب «چه» را، هم آنجا که پیش از واژه دیگر آمده و هم آنجا که پس از واژه ذکر شده، به هر دو گونه با «ه» غیر ملفوظ و بی آن نوشته است: «آنچ» (همان، برگ ۴ ر)، «اگرچه» (همان، برگ ۴ پ)، «اینچ» (همان، برگ ۳۳ ر)، «جسود» (همان، برگ ۶۱ ر).
- نگارش تشدید:** کاتب در برخی از جمله‌ها و شعرهای عربی از تشدید استفاده کرده است. در بقیه موارد، کاربرد این نشانه بسیار کم و محدود به مواضعی بوده که احتمال بدخوانی وجود داشته است: «دُر شاهوار» (همان، برگ ۷۵ پ)، «سری» و «سری» (همان، برگ ۵۳ ر).

#### نگارش تنوین

- تنوین در واژه‌های تنوین دار بیشتر شعرها و جمله‌های عربی نوشته شده است.
- در بقیه موارد، آنجا که واژه تنوین دار بسیط بوده، معمولاً نشانه تنوین کتابت نشده

است: «اتفاقاً» (همان، برگ ۴ ر).

○ در واژه‌های مرگب و ترکیب‌ها معمولاً نشانه تنوین آمده است: مشارالیه (همان، برگ ۱۱ پ)، طوعاً و کرها (همان، برگ ۴ ر).

نگارش «می / همی» استمراری / اخباری: کاتب در بیشتر موارد، «می / همی» را جدا از فعل (بسیار نزدیک به فعل، شبیه نیم‌فاصله امروزی) نوشته است: «نمی‌پذیرد»، «نمی‌کند» (سعدی، ۷۱۳ ق، برگ ۶۷ پ). از جمله موارد سرهم‌نویسی آن: «می‌کوند» (همان‌جا).

نگارش حرف اضافه «به»: کاتب در همه موارد حرف اضافه «به» را متصل به واژه پس از آن نگاشته است: بروم (= به روم)، بهند، بحلب، بیمن، ببارس، بدکانی (همان، برگ ۴۰ ر)، بادیبی (همان، برگ ۶۸ ر).

نگارش «ذال معجمه»: کاتب قاعده نگارش ذال معجمه را در بیشتر مواضع رعایت کرده است؛ با این حال، در مواردی آن را مهمله آورده؛ برای مثال، در این جمله، هر دو کتابت را در کنار هم می‌بینیم: «خواهم ازو دهد یا ندهد» (همان، برگ ۳۷ پ).

#### نگارش همزه:

○ هرگاه همزه در پایان واژه، پس از مصوت بلند «آ» قرار گرفته و بعد از آن کسره اضافه یا وصف آمده است، همزه به شکل «آ» نوشته شده: صلحاء لبنان (سعدی، ۷۱۳ ق، ۲۱ پ)، علماء راسخ (همان، برگ ۳۰ پ).

○ همزه ساکن ماقبل مفتوح، بدون ذکر همزه، با «ا» نوشته شده است: ملجا (همان، برگ ۳ پ)، تاخیر (همان، برگ ۱۶ ر)؛ استثناً: مأوا (همان، برگ ۳ پ).

○ همزه مکسور به شکل «ی» نوشته شده است: ذمایم، قراین (همان، برگ ۱۳ پ).  
○ همزه ساکن پس از ضمّه به شکل «و» کتابت شده است: روساء حلب (همان، برگ ۲۸ پ).

○ همزه ساکن ماقبل مفتوح به شکل «ا» نوشته شده است: هیات (همان، برگ ۱۱ پ)  
○ همزه ساکن پیش از مصوت بلند «او»، در نگارش حذف شده است: مونت (همان، برگ ۱۲ پ).

نگارش «های جمع»: در همه جا پیوسته نوشته شده است: طعامها (همان، برگ ۲۹ پ)، درمها (همان، برگ ۳۰ پ).

نگارش پسوند صفت‌های تفضیلی و عالی: این نشانه‌ها پیوسته آمده‌اند: اولیتر، بهتر (همان، برگ ۴ ر). جایی که واژه طولانی و سرهم‌نویسی آن باعث نازیبایی می‌شده، کاتب آن را جدا نوشته است:

تنک‌روزی‌تر (همان، برگ ۱۸ ر)، بخش‌بندی‌ترین (همان، برگ ۱۸ ر).

یکی از راه‌های سنجش درستی یا نادرستی تاریخ‌های درج‌شده در ترقیمه نسخه‌های خطی بررسی رسم‌الخط این آثار و مقایسه داده‌ها با یافته‌هایی است که پیش‌تر پژوهشگران در مورد رسم‌الخط دوره‌های گوناگون کتابت فارسی استخراج کرده‌اند. بر پایه ویژگی‌های رسم‌الخطی‌ای که بر شمریم، می‌توان کتابت این نسخه را به دوره دوم کتابت فارسی نسبت داد که از ابتدای سده ششم آغاز می‌شود و در سده دهم پایان می‌پذیرد. «از مختصات بارز رسم‌الخط این دوره یک‌دست نبودن شیوه کتابان در نوشتن حروف چهارگانه فارسی است» (متینی، ۱۳۴۶، ص ۱۶۲)؛ بنابراین، می‌توان چنین برداشت کرد که رسم‌الخط نسخه حاضر گواه درستی تاریخ کتابت درج‌شده در ترقیمه آن است.

### ضبط‌های ویژه

در این نسخه گاه با ضبط‌هایی روبه‌رو هستیم که با آنچه معهود ذهنی ماست (یعنی ضبط‌های تصحیح فروغی) تفاوت‌هایی آشکار دارد. همچنین، برخی از ضبط‌های این نسخه با ضبط نسخه‌های دیگر مغایرت دارد. چه‌بسا در نگاه نخست برخی از این گزینش‌های خاص اشتباه کاتب قلمداد شود (ممکن هم هست در مواردی واقعاً چنین باشد). با توجه به محدودیت شمار صفحات و واژه‌های مقاله، در اینجا تنها به ذکر فهرست‌وار تعدادی از آن‌ها و تحلیل یک مورد از ضبط‌های درست و یک مورد از ضبط‌های نادرست نسخه بسنده می‌کنیم. در ضمن، برای تسهیل مراجعه خوانندگان به متن گلستان، در این بخش شماره صفحه گلستان چاپ یوسفی را نیز پس از ذکر شماره برگ نسخه خطی ذکر می‌کنیم:

- ضبط «میل» در مصراع «سر چشمه شاید گرفتن بمیل» (سعدی، ۷۱۳ ق، برگ ۳ پ؛ برابر با ص ۶۱ چاپ یوسفی).

در چاپ‌های یوسفی (سعدی، ۱۳۷۴، ص ۶۱) و فروغی (همو، ۱۳۸۵، ص ۲۲)، در قافیه مصراع نخست «بیل» آمده است. با توجه به وجود واژه «بیل» در قافیه مصراع دوم (چو پر شد نشاید گذشتن به بیل)، در عمل ایراد قافیه شدن «ی» معروف (بیل) و «ی» مجهول (میل) پیش می‌آید، حال آنکه «ی» در «میل» معروف است و قافیه شدن آن با «بیل» بدون اشکال؛ ضمن اینکه میزان مبالغه برای نشان دادن بُعد دو حالت در واژه «میل» بیشتر از واژه «بیل» است (نیز نک دالوند، ص ۸۶).

- ضبط «مورخایه» در «آهنی را که مورخایه بخورد»، به جای ... مورخایه / مورچانه... (سعدی، ۷۱۳ ق، برگ ۲۴ پ؛ برابر با ص ۹۳ چاپ یوسفی)

این واژه در نسخه‌های گوناگون به شکل‌های مختلف ضبط شده است. در چاپ فروغی، واژه

«موریانه» آمده است (سعدی، ۱۳۸۵، ص ۹۶). این واژه در چاپ یغمایی «مورجانه» (همو ۶، ص ۵۶) و در چاپ یوسفی «مورچانه» (همو ۸، ص ۹۳) ضبط شده است. مورجانه و مورچانه در فرهنگ‌های لغت (مثلاً نک دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل مورجانه و مورچانه) به معنی زنگار آهن آمده است (موریانه نیز، علاوه بر اشاره به حشره معروف، به معنای زنگار آهن هم هست). همچنین، در فرهنگ‌های لغت واژه «مورخانه» هم به معنی مور سیاه کوچک و هم به معنی خانه مور ضبط شده است (نک همان، ذیل مورخانه)؛ حال آنکه واژه «مورخایه» در هیچ واژه‌نامه‌ای مضبوط نیست. با توجه به آنچه گفته شد، ضبط نسخه مورد بررسی درست نیست و احتمالاً حاصل بدخوانی یا بدنگاری یکی از سه واژه «مورخانه، مورچانه یا مورجانه» است.

- «تا آنک دو چشم انتظارش بر در» به جای «با آنکه...» (سعدی، ۷۱۳ق، برگ ۶ پ؛ برابر با ص ۶۵ چاپ یوسفی).
- کاربرد صورت «جوامرد» (همان، برگ ۹ ر؛ برابر با ص ۶۸ چاپ یوسفی)؛ در یک صفحه هر دو شکل «جوامرد» و «جوانمرد» به کار رفته است (همان، برگ ۳۶ پ؛ برابر با ص ۱۱۲ چاپ یوسفی).
- کاربرد «اومیدوار» (همان، برگ ۹ ر؛ برابر با ص ۶۸ چاپ یوسفی).
- «کاوان و خران رنج بردار»<sup>(۲)</sup> به جای «گاوان و خران باربردار» (همان، برگ ۱۳ ر؛ برابر با ص ۷۴ چاپ یوسفی).
- «به دست آهک تفته کردن خمیر» به جای «... آهن تفته...» (همان، برگ ۱۷ پ؛ برابر با ص ۸۳ چاپ یوسفی).
- کاربرد «خانه» به جای «سرا»، در جمله «در عقد بیع خانه متردد بودم» (همان، برگ ۴۸ پ؛ برابر با ص ۱۳۰ چاپ یوسفی).
- کاربرد «نسق» به جای «نمط» در مصراع «گر تو قرآن برین نسق خوانی» (همان، برگ ۴۹ پ؛ برابر با ص ۱۳۲ چاپ یوسفی).
- «تنگ‌خوی» به جای «تندخوی» در مصراع «تلخ‌گفتار و تنگ‌خوی بود» (همان، برگ ۵۶ ر).
- «مرکز» به جای «مولود» در عبارت «بخندید و مرکزم برسید» (همان، برگ ۵۷ ر؛ برابر با ص ۱۴۲ چاپ یوسفی).
- «تخصیب» به جای «تلییس» در مصراع «موی به تلییس سیه کرده گیر» (همان، برگ ۶۴ پ؛ برابر با ص ۱۵۲ چاپ یوسفی).
- «مکر به سوزن»<sup>(۴)</sup> بولاد جامه هنکفت»، به جای «مگر به خامه پولاد...» (همان، برگ ۶۵ پ؛ برابر با

ص ۱۵۳ چاپ یوسفی)

- «بس از خلافت و شنعت گناه دختر جیست»<sup>(۵)</sup> به جای «پس از خلافت و شنعت گناه دختر نیست» (همان جا).
- «کراوه نشینی» به جای کجاوه نشینی در عبارت «کراوه نشینی را شنیدم...» (همان، برگ ۶۹ پ؛ برابر با ص ۱۵۹ چاپ یوسفی)<sup>(۶)</sup>.
- «خنوندان» به جای خداوندان (همان، برگ ۷۰ پ؛ برابر با ص ۱۶۰ چاپ یوسفی) و «خنوند» به جای خداوند (همان، برگ ۲۳ پ؛ ۳۰ ر).
- «سلاح شور» به جای سلحشور در عبارت «سبرباز جرخ انداز سلاح شور» (همان، برگ ۷۱ ر؛ برابر با ص ۱۶۱ چاپ یوسفی).
- «آن دیکر، کلوخی» به جای «کلوخ کوبی» (همان جا)<sup>(۷)</sup>.
- اشباع کسره اضافه یا وصف: «خبری بد» به جای خبر بد (همان، برگ ۷۹ پ؛ برابر با ص ۱۷۴ چاپ یوسفی)، «حلقی داودی» (همان، برگ ۵۳ ر؛ برابر با ص ۱۳۸ چاپ یوسفی).
- «قلندریان»<sup>(۸)</sup> به جای «قلندران» (همان، برگ ۸۲ ر؛ ۸۵ پ؛ برابر با ص ۱۷۸ و ۱۸۴ چاپ یوسفی).
- «عامی نادان نافر جام کار» به جای «عام نادان پریشان روزگار» (همان، برگ ۸۳ پ؛ برابر با ص ۱۸۱ چاپ یوسفی)<sup>(۹)</sup>.
- «خشکی سال» به جای خشکسال (همان، برگ ۸۴ ر؛ برابر با ص ۱۸۲ چاپ یوسفی).

#### اشکالات نسخه:

- افتادگی چند صفحه نخست کتاب، که در بردارنده بخش بیشتر دیباچه است.
- جابه جایی برخی از برگه ها (البته این اشکال مربوط به نسخه نیست، بلکه اشتباهی است که در صحافی رخ داده است): برگ ۱۵ پ با ۳ سطر از حکایت ۲۷ باب اول (یکی بر صنعت کشتی گرفتن) پایان می پذیرد، اما برگ ۱۶ ر با چند سطر آخر حکایت ۳۲ (شیادی گیسوان...) آغاز می شود. بخش های حذف شده در برگ ۵۴ ر تا برگ ۵۵ پ، یعنی میانه های باب پنجم، آمده است.
- کم دقتی کاتب در ضبط شعرها؛ در اینجا به مواردی بسنده می کنیم که اشتباه کاتب در ضبط درست شعر وزن آن را مختل کرده است. شکل درست را درون دو کمانک نهاده ایم:

- «کفت باری با (به) ابله فربه» (سعدی، ۷۱۳ق، برگ ۲ پ)
- «قضا دیگر (دگر) نشود ور هزار ناله و آه» (همان، برگ ۸۴ پ)
- «تا نگیرند دگران از (دیگران به / ز) تو پند» (همان، برگ ۸۸ ر)
- «با خلق خدای کن نیکویی (نکویی)»: (همان، برگ ۱۳ پ)
- «اگر بدانش روزی (روزی به دانش) در فزودی» (همان، برگ ۱۸ ر)
- «زین در که دری دیگر (دگر) نیابد» (همان، برگ ۳۱ پ)
- «صحبت گل خوش بودی (بدی) گر نیستی تشویش خار» (همان، برگ ۵۸ پ)
- «چه غم داردش (دارد) از آبروی کسی» (همان، برگ ۶۰ ر)
- «راضیم امروز (اکنون) به پنیری جو یوز» (همان، برگ ۶۴ پ)
- «این دولت ایام نیکویی (نکویی) به سر آید» (همان، برگ ۵۳ پ)
- این مورد، که البته اشکال وزنی ندارد، اما بخش‌هایی از شعر (که آن‌ها را در قلاب نهاده‌ایم) حذف شده است:

«به روی خود [در] طماع [باز] نتوان کرد      [چو باز شد به درشتی فراز نتوان کرد  
کس نپند که تشنگان حجاز] به سر آب شور گرد آیند      هر کجا جشمه بود شیرین مردم و مور و مرغ گرد آیند»  
(همان، برگ ۹ ر)

• از قلم‌افتادن برخی از حکایت‌ها:

- در برگ ۲۶ پ، حکایت ۲۵ از باب ۲ (یکی را از مشایخ شام پرسیدند از حقیقت تصوف) افتاده و به خط دیگری در حاشیه آمده است.
- در برگ ۳۱ پ، حکایت ۳۹ از باب ۲ (یکی بر سر راه) افتاده و کسی آن را به خطی دیگر در هامش نوشته است.
- در برگ ۳۴ ر، حکایت ۱۹ از باب ۳ (یکی از ملوک با تنی چند) در متن نیست و کسی آن را به خط دیگری در هامش نوشته است.
- در برگ ۳۹ ر، حکایت ۱۹ از باب ۳ (یکی از ملوک با تنی چند) حذف شده و به خطی دیگر در حاشیه آمده است.
- در برگ ۴۱ ر، حکایت ۲۵ از باب ۳ (ابله‌ی را دیدم سمین)، آنجا که می‌گوید: «این دیبای مُعَلِّم بر این حیوان لایَعَلِّم»، به ناگاه بخشی از حکایت ۲۷ (مشتزنی را حکایت کنند)، از «دوم عالمی که بمنطق» تا «جگونه مخالفت کنیم که گفته‌اند»، آمده است. ادامه حکایت ۲۵ در برگ ۴۲ ر آمده است.

○ در برگ ۴۳ ر، حکایت ۲۷ (مشترزی را حکایت کنند) بخشی از حکایت که در میانه حکایت ۲۵ ذکر شده بود (از «دوم عالمی که بمنطق» تا «جگونه مخالفت کنیم که گفته‌اند») در اینجا دیگر مذکور نیست. افزون بر آن، ادامه حکایت تا «به عذر ماضی در قدمش فتادند» در سر جای خود نیامده، بلکه در اواخر برگه ۴۳ پ تا اوایل برگ ۴۴ پ قرار گرفته است (در مجموع، حکایت مشترز، بسیار آشفته کتابت شده است).

○ در برگ ۷۷ ر، بخش نخست حکمت دوم (که عنوان «پند» گرفته) از موسی علیه السلام تا پایان دو بیت شعر، حذف شده و به خط دیگری در هامش آمده است.

اشکالات برشمرده — که عمدتاً نشان از کم‌سوادی کاتب دارد — نباید موجب آن شود که در اهمیت نسخه تردید کنیم. برعکس، از آنجا که چنین کاتبانی نمی‌توانستند ذوق ادبی خود را در تصحیح منجر به تحریف متن به کار برند، معمولاً متن‌های کتابت‌شده به دست آنان اصالت بیشتری دارد، در حالی که کاتبانی که ذوق و سواد ادبی خوبی داشتند، به‌طور معمول، خود را در جایگاهی می‌دیدند که می‌توانند نکات استحسانی خود را بر متن اعمال کنند. «سخنی به گزاف نیست اگر گفته شود که دست‌نوشته‌های کاتبان کم‌سواد، که از روی ذوق و سلیقه در منقولات نسخه منقول‌عنه خود تصرف نمی‌کرده‌اند، از نظر تصحیح و تحقیق در نسخه‌های خطی به قیاس با دست‌نوشته‌های کاتبان مزبور معتبرند، زیرا نسخه‌هایی که دارای اغلاط و افتادگی‌هایی بارز باشند مصححان را زودتر به صورت درست و هیئت کامل یک اثر می‌رسانند، در حالی که نسخه‌های تصرف‌شده به دست کاتبان مذکور چه بسا که آنان را در مواردی بفریبد و از صورت اصل اثر دور گرداند». (مایل هروی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۴)

### نتیجه‌گیری

مهم‌ترین یافته نوشتار حاضر گزارش پیدا شدن نسخه‌ای کهن از گلستان سعدی است که سومین متن تاریخ‌دار آن کتاب و، بنا به دلایلی که در متن ذکر شده، در جایگاه نخست میان آن‌هاست. این اطلاع در تحقیقات تاریخچه متن گلستان اهمیت بسیار زیادی دارد و شایان توجه بیشتر پژوهشگران زبان و ادبیات فارسی است.

از راه نسخه معرفی شده، در می‌یابیم که نسخه کهن تری از گلستان، که از آن امیرحسام‌الدین بیگلر بوده، وجود داشته که اینک در دسترس نیست و نام آن تنها از طریق نسخه حاضر به ما رسیده است. وجود و کتابت دست‌کم دو نسخه گلستان تا سال ۷۱۳ق، یعنی تنها حدود دو دهه پس از درگذشت سعدی، گواه اهمیت و جایگاه بلند زبان و ادب فارسی، به‌ویژه سعدی و آثارش، در حوزه آناتولی است. انتقال این نسخه کهن به بوسنی (که از زمان و چگونگی آن آگاهی نداریم)، احتمالاً در

دوره عثمانی و حفظ و نگهداری آن تا روزگار ما نشان‌دهنده آن است که بالکان — غربی‌ترین نقطه رواج ادبیات فارسی در دوره عثمانی — پایگاه محکمی برای نشر فرهنگ ایران، به‌ویژه از راه گلستان، این اثر گرانسنگ ادب پارسی، بوده است. کاربرد گلستان در چهارچوب کتاب درسی در مدرسه‌های عثمانی بالکان و همچنین وجود تعداد زیادی از نسخه‌های آن در طول چهار قرن نشان‌دهنده عمق و پهنای تأثیر این کتاب بوده است.

### پی‌نوشت‌ها

- (۱) پرداختن به ویژگی‌های بخش کلیات این نسخه مستلزم مقال و مجال دیگری است.
- (۲) چنین است در چاپ یوسفی (سعدی، ۱۳۷۴، ص ۷۴).
- (۳) چنین است در چاپ قریب (سعدی، ۱۳۱۰، ص ۵۶). یغمایی نیز عنوان کرده است: «این کلمه [آهن] تحریف شده و می‌نماید 'آهک' باشد». (یغمایی، ۱۳۱۶، ص ۴۳).
- (۴) چنین است در چاپ یغمایی (سعدی، ۱۳۱۶، ص ۱۳۵)، قریب (همو، ۱۳۱۰، ص ۱۶۳) و چاپ مسکو (همو، ۱۹۵۹ م، ص ۳۶۶).
- (۵) در چاپ قریب (سعدی، ۱۳۱۰، ص ۱۶۳) چنین است.
- (۶) به احتمال قوی، «ر» شکل دیگر نوشتن «ژ» است، هر چند در این نسخه کاتب همه جا «ژ» نوشته است.
- (۷) در هامش: کلوخ کوبی.
- (۸) چنین است در چاپ یغمایی (سعدی، ۱۳۱۶، ص ۱۶۸ و ۱۷۳).
- (۹) در هامش، احتمالاً به خطی دیگر: «عامه نادانی پریشان روزگار».

### منابع

- افشین وفاپی، محمد و پژمان فیروزبخش (۱۳۹۳)، «سرایش و کتابت مثنوی (همراه معرفی کهن‌ترین نسخه‌های تاریخ‌دار مثنوی)»، بخارا، س ۱۶، ش ۱۰۴، بهمن و اسفند، ص ۱۵-۲۷.
- انزایی نژاد، رضا (۱۳۶۸)، «گلستان سعدی»، کیهان فرهنگی، س ۶، ش ۷۰، دی، ص ۲۸-۲۹.
- بوگدانویچ، دیان (۱۳۴۳ الف)، «نویسندگان و شعرای فارسی‌گوی یوگسلاوی»، وحید، س ۱، ش ۸، مرداد، ص ۶۰-۶۷.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۳ ب)، «نویسندگان و شعرای فارسی‌گوی یوگسلاوی»، وحید، س ۱، ش ۹، شهریور، ص ۲۶-۳۳.
- جهانبخش، جويا (بی‌تا)، راهنمای تصحیح متون، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.
- چانچار، اسعد محمد (۱۳۷۶)، «شاعران فارسی‌سرا در بوسنی و هرزگوین»، آشنا، س ۷، ش ۳۷، زمستان، ص

دالوند، یاسر (۱۴۰۱)، «تأملی در ابیات و عباراتی از گلستان سعدی»، *آینه میراث*، س ۲۰، ش ۲ (پیاپی ۷۱)، پاییز و زمستان، ص ۸۱-۹۷.

درایتی، مصطفی (بی تا)، *فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران* (دنا)، مشهد: مؤسسه فرهنگی پژوهشی الجواد.  
درکیچ، منیر و احسان رئیس (۱۳۹۹)، «دلایل و آثار رواج پندنامه در بوسنی»، *پژوهش‌های ادب عرفانی* (گوهر گویا)، س ۱۴، ش ۲، پاییز و زمستان، ص ۱۵۱-۱۷۰.

دهباشی، علی (۱۳۶۹)، «تصحیح انتقادی از گلستان»، کلک، س ۱، ش ۲، اردیبهشت، ص ۹۳-۹۶.  
دهخدا، علی اکبر، *لغت‌نامه*، دوره ۱۶ جلدی، تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.

زنجانی، برات (۱۳۸۱)، «قدیم‌ترین نسخه خطی گلستان سعدی»، *تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی*، ش ۳۹، بهار و تابستان، ص ۱۸۵-۱۹۰.

سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین (۷۱۳ق، نسخه خطی)، *گلستان*، ش 1389,1، کتابخانه‌غازی خسروبیگ، ۹۰ برگ.

\_\_\_\_\_ (۱۰۳۱ق، نسخه خطی)، *گلستان*، ش 6135R، کتابخانه‌غازی خسروبیگ، ۹۵ برگ.

\_\_\_\_\_ (۱۱۵۸ق، نسخه خطی)، *گلستان*، ش 38880R، کتابخانه‌غازی خسروبیگ، ۱۹۲ برگ.

\_\_\_\_\_ (۱۳۱۰)، *گلستان*، به اهتمام عبدالعظیم قریب، تهران: علمی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۱۶)، *گلستان*، به اهتمام حبیب یغمایی، تهران: شرکت طبع کتاب.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۴)، *گلستان*، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)، *کلیات*، به تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: هرمس.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۴)، *گلستان* (گلستان سعدی یونسکو)، به تصحیح ویلیام مارتین اسمیت، با تدوین و ترجمه منظوم انگلیسی بهرام افراسیابی، تهران: مهرام.

\_\_\_\_\_ (۱۹۵۹م)، *گلستان*، تصحیح، با ترجمه به روسی، مقدمه و تعلیقات رستم موسی اوغلی علی‌یف، مسکو: فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی.

سودی بسنوی، احمد (۱۰۰۶ق، نسخه خطی)، *شرح سودی بر گلستان*، ش 3800R، کتابخانه‌غازی خسروبیگ، ۳۳۱ برگ.

شادآرام، علیرضا (۱۳۹۵)، «بررسی سیر زبان و ادبیات فارسی در بالکان از گذشته تا کنون»، *تاریخ ادبیات*، س ۹، ش ۳ (پیاپی ۷۹)، پاییز و زمستان، ص ۶۹-۹۰.

سفارمقدم، احمد (۱۳۷۳)، *زبان و ادبیات فارسی در بوسنی و هرزگوین*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

طیب‌زاده، امید (۱۳۹۷)، «بررسی تصحیحات پانزده بیت عربی در گلستان سعدی از نظر عروض و قافیه»، نامه فرهنگستان، س ۱۷، ش ۲، تابستان، ص ۴۱-۶۳.

فروغی، محمدعلی (۱۳۸۵)، «پیشگفتار»، برگستان سعدی، تهران: هرمس، صص ۱۲۱۵-۱۲۲۰.  
لاتیج، جمال (۱۳۷۷)، «زبان و ادبیات فارسی در بوسنی و هرزسه‌گوین»، نامه پارسی، س ۳، ش ۹، تابستان، ص ۲۸-۳۱.

مایل هروی، نجیب (۱۳۷۹)، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

متینی، جلال (۱۳۴۶)، «رسم‌الخط فارسی در قرن پنجم هجری»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، س ۲، ش ۲ و ۳ (پیاپی ۱۰ و ۱۱)، تابستان و پاییز، ص ۱۵۹-۲۰۶.  
مرادی، مسعود (۱۳۷۱)، «ادبیات فارسی در بوسنی و هرزسه‌گوین»، کیهان فرهنگی، س ۹، ش ۹۰، آبان، ص ۵۶-۵۹.

مطلبی کاشانی، نادر (۱۳۸۹)، «نامه علامه محمد قزوینی به ذکاءالملک محمدعلی فروغی»، نامه بهارستان، س ۱۱، ش ۱۷، پاییز و زمستان، ص ۲۰۷-۲۱۴.

مهدوی دامغانی، احمد (۱۳۶۹)، «گلستان سعدی»، کیهان فرهنگی، س ۷، ش ۷۳، فروردین، ص ۲۸.  
یاحقی، محمدجعفر (۱۳۶۸)، «این گلستان همیشه خوش باشد»، نشر دانش، س ۱۰، ش ۱ (پیاپی ۵۵)، آذر و دی، ص ۳۴-۳۸.

یاحیج، مصطفی (۲۰۲۳م)، کتابخانه غازی خسرو بگ، ترجمه هادی تقی‌پور اردشیری، ساریو: ایزداواچ.  
یغمایی، حبیب (۱۳۱۶)، «مقدمه و تحشیه» برگستان، تهران: شرکت طبع کتاب، ص الف - ج.  
یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۴)، «مقدمه» برگستان، تهران: خوارزمی.

Drkić, Munir (2021), 'Caught between Two Empires: The Teaching of Persian in Bosnia at the Time of Transition from the Ottoman to Austro-Hungarian Rule,' *Diyar*, No. 2 (2), p 186-207.

Lewis, Franklin (2021), 'Golestān-e Sa'dī,' *Encyclopaedia Iranica*, vol. XI, Fasc. 1, p 79-86. URL: <https://iranicaonline.org/articles/golestan-e-sadi>

Nametak, Fehim (1998), *Katalog arapskih, perzijskih, turskih i bosanskih rukopisa Gazi Husrev-begove biblioteke u Sarajevu*, London - Sarajevo: Gazi Husrev-begova Biblioteka & al-Furqan.

Presidency of Turkish Manuscript Association (2023), Last access: 2023/09/10, URL: <https://dijital-kutuphane.mkutup.gov.tr/en>

Trako, Salih (1986), *Katalog perzijskih rukopisa Orijentalnog instituta u Sarajevu*, Sarajevo: Orijentalni institut.

Uzunçarş 1, İsmail Hakk . *Anadolu Beylikleri ve Akkoyunlu, Karakoyunlu Devletleri*, II. Bask . Türk Tarih Kurumu Bas mevi. Ankara. 1969.

Yücel, Yaşar (1965), 'Çoban Oğullar Beyliği,' *Ankara üniversitesi Dil ve Tarih-Coğrafya Fakültesi Dergisi*, 23 (1-2), January, p 61-73.

Yücel, Yaşar (1993), 'Çobanoğullar ,' *TDV İslam Ansiklopedisi*, 8. cilt, p 354-355.

#### Reference

Afshin Vafāei, Mohammad and Pejman Firoozbakhsh (2015), "Sorāyesh va ketābat-e Masnavi (Composition and Manuscript Transmission of the *Mathnavi*) (Including Introduction of the Oldest Dated Manuscripts)," *Bokhārā*, Vol. 16, No. 104, pp. 15-27.

Anzābinezahād, Rezā (1989). "Golestān-e Sa'di (Sa'di's Golestan)," *Keyhān-e farhangi*, No 70. 28-29.

Bugdānović, Dijān (1964a), "Nevisandegān va sho'arā-ye fārsi-gū-ye Yugoslavi (Persian-speaking Writers and Poets of Yugoslavia)," *Vahid*, Vol. 1, No. 8, pp. 60-67.

\_\_\_\_\_ (1964b), "Nevisandegān va sho'arā-ye fārsi-gū-ye Yugoslavi (Persian-speaking Writers and Poets of Yugoslavia)," *Vahid*, Vol. 1, No. 9, pp. 26-33.

Čānčār, As'ad Muhammad (1997), "Sho'arā-ye fārsi-sarā dar Bosnia va Herzegovina (Persian Poets in Bosnia and Herzegovina)," *Āshenā*, Vol. 7, No. 37, pp. 88-92.

Dālvand, Yāser (2022), "Ta'ammoli dar abyāt va 'ebārāti az Golestān-e Sa'di (A Reflections on Some Verses and Expressions from Sa'di's *Gulistān*)," *Āyine-ye Mirāth*, Vol. 20, No. 2 (Issue 71), p 81-97.

Dehbāshi, Ali (1990), "Taṣṣiḥ-e enteḳādi az Golestān (Critical Edition of *Gulistān*)," *Kelk*, Vol. 1, No. 2, pp. 93-96.

Dehkhodā, 'Ali-Akbar, *Loḡat-nā meh-ye Dehkhodā (The Dehkhoda Dictionary)*, Tehran: Dehkhodā Lexicon Institute.

Derāyati, Mostafā (n.d.), *Fehrestvāreh-ye dast-nevesht-hā-ye Īrān (DENĀ) (Catalogue of Iran's*

*Manuscripts*), Mashhad: Al-Jawād Cultural Research Institute.

Drkić, Munir and Ehsān Raeisi (2020), "Dalāyel va āsār-e ravāj-e pandnāmeḥ dar Bosni (Reasons and Effects of the Spread of *Pandnāmeḥ* in Bosnia)," *Persian Mystical Literature Studies (Gowhar-e Gūyā)*, Vol. 14, No. 2, pp. 151-170.

Foroughi, Mohammad-Ali (2006), "Pishgoftār (Preface)," in Sa'di's *Gulistān*, Tehrān: Hermes, p 1215-1220.

Jahānbakhsh, Juyā (n.d.), *Rāhnamā-ye taṣḥīḥ-e motun (A Guide to Textual Editing)*, Tehran: Markaz-e Nashr-e Mirāth-e Maktub.

Jāhić, Mustafā (2023), *Keṭābkhāneh-ye Ghāzi Khosrow Beg (Gāzi Husrev-beg Library)*, trans. Hādi Taqīpour Ardeshiri, Sarajevo: Izdavač.

Latić, Džemal (1998), "Zabān va adabiyāt-e fārsi dar Bosni va Herzegovin (Persian Language and Literature in Bosnia and Herzegovina)," *Nāme-ye Pārsi*, Vol. 3, No. 9, pp. 28-31.

Mahdavi Dāmghāni, Ahmad (1990), "Sa'di's *Gulistān*," *Keyhān-e Farhangī*, Vol. 7, No. 73, p. 28.

Matini, Jalāl (1967), "Rasm al-khaṭṭ-e fārsi dar qarn-e panjom-e hejri (Persian Script Orthography in the Fifth Century AH)," *Journal of the Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad*, Vol. 2, Nos. 2-3 (Issues 10-11), pp. 159-206.

Māyel Heravi, Najib (2000), *History of Manuscript Production and Critical Editing*, Tehrān: Majles Library, Museum and Archives.

Morādi, Masoud (1992), "Adabiyāt-e fārsi dar Bosni va Herzegovin (Persian Literature in Bosni and Herzegovin)," *Keyhān-e Farhangī*, Vol. 9, No. 90, pp. 56-59.

Motallabi Kāshāni, Nāder (2010), "Nāmeḥ-ye 'Allāmeḥ Mohammad Qazvini be Zekā' al-Molk Foroughi (A Letter from 'Allāmeḥ Mohammad Qazvini to Zokā' al-Molk Mohammad Ali Foroughi)," *Nāme-ye Bahārestān*, Vol. 11, No. 17, pp. 207-214.

Sa'di Shirāzi, Sheikh Mosleh al-Din (713 AH, manuscript), *Gulistān*, No. 1389,1, Gāzi Husrev-beg Library, 90 fols.

\_\_\_\_\_ (1031 AH, manuscript), *Gulistān*, No. R6135, Gāzi Husrev-beg Library, 95 fols.

\_\_\_\_\_ (1158 AH, manuscript), *Gulistān*, No. R38880, Gāzi Husrev-beg Library, 192 fols.

\_\_\_\_\_ (1931), *Gulistān*, ed. Abdolazim Qarib, Tehrān: 'Elmi.

- \_\_\_\_\_ (1937), *Gulistān*, ed. Habib Yaghmā'ī, Tehrān: Sherkat-e Tabā' -e Ketāb.
- \_\_\_\_\_ (1959), *Gulistān*, critical edition with Russian translation, introduction and notes by Rustam Musā Oghlu 'Aliyev, Moscow: Academy of Sciences of the USSR.
- \_\_\_\_\_ (1995), *Gulistān*, edited and annotated by Gholām-Hossein Yusofi, Tehrān: Khārazmi.
- \_\_\_\_\_ (2006), *Kulliyāt*, ed. Mohammad Ali Foroughi, Tehrān: Hermes.
- \_\_\_\_\_ (2015), *Gulistān (Sa'di's Gulistan - UNESCO Edition)*, edited by William Martin Smith, with versified English translation by Bahrām Afrasiābi, Tehrān: Mehrfām.
- Saffār-Moqaddam, Ahmad (1994), *Zabān va adabiyāt-e fārsi dar Bosni va Herzegovin (Persian Language and Literature in Bosnia and Herzegovina)*, Tehran: Institute for Cultural Studies and Research.
- Shādārām, Alirezā (2016), "Barrasi-ye seyr-e zabān va adabiyāt-e fārsi dar Balkān (A Study of the Course of Persian Language and Literature in the Balkans from Past to Present)," *History of Literature*, Vol. 9, No. 3 (Issue 79), pp. 69-90.
- Sudi Bosnavi, Ahmad (1006 AH, manuscript), *Sudi's Commentary on the Gulistān*, No. R3800, Gāzi Husrev-beg Library, 331 fols.
- Tabibzādeh, Omid (2018), "Barrasi-ye taṣṣihāt-e panzdah bayt-e 'arabi dar Golestān-e Sa'di (A Study of Fifteen Arabic Verses in Sa'di's *Gulistān* in Terms of Prosody and Rhyme)," *Nāme-ye Farhangestān*, Vol. 17, No. 2, pp. 41-63.
- Yaghma'ī, Habib (1937), "Introduction and Annotations" to *Gulistān*, Tehrān: Sherkat-e Tabā' -e Ketāb, pp. a-j.
- Yāhaghi, Mohammad Ja'far (1989), "In Golestān hamisheh khosh bāshad (May This *Gulistān* Ever Remain Fresh)," *Nashr-e Dānesh*, Vol. 10, No. 1 (Issue 55), pp. 34-38.
- Yusofi, Gholām-Hossein (1995), "Moqaddameh (Introduction) to *Gulistān*," Tehrān: Khārazmi, p. 22.
- Zanjāni, Barāt (2002), "Qadimi-tarin noskheh-ye khaṭṭi-ye Golestān-e Sa'di (The Oldest Manuscript of Sa'di's *Gulistān*)," *Researches in Academic Librarianship and Information Science*, No. 39, pp. 185-190.